

سوخت و سوز یک همسایگی

با وجود اینکه جایگاه های بنزین مجوز فعالیت دارند، برای اهالی مشکل ساز هستند



عکس:محلآلودمستگانی شهروانرا



گزارش روز



روزنامه‌نگار تکلمه‌جوید

یکی مسیر ورودی خیابان است ویکی پمپ بنزین که هر دو را خودروهای در انتظار بنزین سد کرده اند. گاهی صدای بوق ماشین می آید اما هیچ خودرویی از جایش تکان نمی خورد. هیچ راننده ای حاضر نیست از صف خارج شود تا ماشین دیگری وارد خیابان شود؛ هر چند که فضای خارج شدن از صف هم وجود ندارد. پنج دقیقه بعد، صبر راننده پشت سری تمام می شود و می آید سراغ راننده جلویی. جروبحث بالا می گیرد،

آن هم با داد و پیداد. به احتمال زیاد صدای یکدیگر رانمی شنوند اما مسئله این است که یکی می گوید از سر راه برو کنار و دیگری می گوید جایی که ایستاده است، صف پمپ بنزین است. این صحنه هر روز تکرار می شود. اهالی محل دیگر به این داد و پیادها عادت کرده اند؛ نه اینکه ناراحت نشوند اما کاری از دستشان ساخته نیست. مشکلاتی که پمپ های بنزین برای همسایه های خود ایجاد می کنند، کم نیست. خیلی از این جایگاه ها دقیقاً میان بافت شهری و چسبیده به خانه ها و مغازه های مردم هستند و این همسایگی نمی تواند بی دردسر باشد. جایگاه های بنزین از سازمان های مختلف مجوز می گیرند و باز هم ناراضی دارند. مشخص نیست کجای کار می لنگد.

همسایگی با بیماران

یکی از جایگاه های خاص رادارند؛ چسبیده به بیمارستان، در یکی از مناطق مرکزی شهر. یعنی درحالی که خودروها در شلوغی ظهر، سه چهاردربیفه بخشی از خیابان را گرفته اند و از پمپ بنزین وارد و خارج می شوند، چند قدم آن طرف تر خودروهای دوبله پارک شده اند و آدم ها در انتظار تعیین وضعیت بیمار خود هستند. این سو و آن سو هم مغازه است. آقامحسن، فروشنده سوپرمارکت، می گوید: من پنج سال است این مغازه را اجاره کردم. نه می شود گفت بیمارستان را از اینجا ببرند نه پمپ بنزین را. هر دو لازم هستند. زائری که آمده است حرم، نمی تواند در این خیابان های شلوغ، کیلومترها دنبال پمپ بنزین بگردد. اما اداره کردن این گونه هم خوب نیست. هر قدر بگویم بلا به دور، اما نگرانی حادثه برای پمپ بنزین همیشه هست. مغازه کنارش کافی شاپ است و فروشنده جوانی دارد که چند ماهی است آنجا ساکن شده است. او هم توضیح می دهد: اینجا هر روز خیلی شلوغ می شود؛ هم به خاطر پمپ بنزین، هم به خاطر بیمارستان. بیشتر ترافیک خیابان مربوط به همین ماشین های در صف بنزین است. طوری صف می کشند که خیابان را می گیرد. اینجا هم زائر زیاد است. نمی دانیم ترافیک از کدام است.

ترافیک یک خیابان

خیابانی که جایگاه بنزین دارد، یک طرفه است؛ کمی بعد از میدان. دوسوی خیابان، ماشین پارک است و یک مسیر راهم خودروهای در انتظار بنزین اشغال می کنند. آن وقت تنها یک راه برای عبور خودروهای دیگر باقی می ماند. درواقع می شود کناره. «این اوضاع هر روز ماست. نه جای پارک برای خودروی خود مان در حاشیه خیابان داریم، نه راه ایستادن برای مشتری». این جمله را مالکی، فروشنده مغازه کنار پمپ بنزین، می گوید و ادامه می دهد: مشتری ما باید ماشینش را یا خیلی بالاتر پارک کند یا پایین تر. از این ها که بگذریم، دستکم روزی یکی دوبار دعوا می شود. اهالی این محل یا خودروهای دیگر هر روز برای وارد شدن به این خیابان معطل می شوند؛ چون این پمپ هیچ وقت خلوت نیست. به گفته او و دیگر همسایه ها، شهرداری مدتی خیابان را جدول کشی و راه خودروها را جد کرده بود اما بعد از مدتی آن را برداشت. این شهروند تأکید می کند: «ما با وجود پمپ بنزین مشکلی نداریم اما این دردسرها رانمی شود نادیده گرفت. کاش شهرداری همان جدول های پلاستیکی رنگه می داشت! البته نصب آن ها خیابان را باز کرد اما ترافیک خیابان اصلی تا میدان و پس از آن، ادامه پیدا کرد و اوضاع خوب نبود. به هر حال شهرداری باید فکری بکند تا مشکلات به حداقل برسد».

امان از بوی بنزین!

ردیفی از مجتمع ها و خانه های مسکونی، اطراف و پشت پمپ بنزین قرار دارند. جمعیت ساکن در این منطقه زیاد است. تا چشم کار می کند، خانه است، جایگاه هم از آن پمپ های همیشه شلوغ. دستکم در ردیف از صف انتظار خودروها همیشه در خیابان است. امیدرضا و همسرش که چند ماهی است ازدواج کرده اند، همسایه جدید پمپ محسوب می شوند. امیدرضا علاوه بر شکایت از شلوغی و بی نظمی همیشه جایگاه برای محله، از موضوع دیگری هم گلایه دارد: «بیشتر وقت ها بوی بنزین می آید. همسایه های قدیمی تر می گویند قبلا بدتر بوده و حالا بهتر شده است، اما از نظر ما هنوز هم آزار دهنده است. تابستان ها که پنجره ها باز است، آدم را بیشتر کلافه می کند. ما که خانه را اجاره کردیم، نمی دانستیم باید برای پمپ بنزین هم تحقیق کنیم و حالا چاره ای نداریم اما مسئول جایگاه باید فکری به حال اهالی بکند».

هر چند جایگاه های عرضه بنزین یکی از مراکز خدماتی مهم اصلی در زندگی کنونی است و نمی توان آن ها را به خارج از شهر و مکان های دورتر انتقال داد، باید برای رفع دغدغه شهروندان هم چاره ای اندیشید.

کمبود جایگاه ها در مشهد

آنچه در شهر توجه و اعتراض شهروندان را برانگیخته، درد سری است که جایگاه ها برای همسایه ها و رانندگان ایجاد کرده است، درحالی که از دیدگاه شرکت فرآورده های نفتی، درد سر اصلی، کمبود جایگاه شهری با وجود جمعیت میلیونی زائر و مجاور است.

مهندس علی اصغر اصغری، مدیر شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه خراسان، با اعلام تعداد جایگاه های موجود می گوید: اکنون حدود شصت باب جایگاه عرضه فرآورده های نفتی در شهر مشهد فعالیت می کنند. اگرچه در چند سال اخیر تعداد جایگاه های کلان شهر مشهد افزایش خوبی داشته و از ۴۵ باب در داخل شهر به ۶۰ باب رسیده است، هنوز تناسب منطقی بین تعداد خودروهای افزایش پیدا کرده با تعداد جایگاه ها وجود ندارد و نیاز به تعداد جایگاه بیشتری هم برای کاهش صرف وقت و هم برای رفاه و دسترسی بیشتر شهروندان و زائران احساس می شود، البته به دلیل قیمت سرسام آور زمین، بخش خصوصی در کلان شهرها چندان استقبالی از احداث جایگاه نمی کند.

او تأکید می کند: مدت زمان طی شدن مراحل برای موافقت احداث جایگاه، بستگی به مدت دریافت پاسخ استعلام از دستگاه های مرتبط و تهیه نقشه های استاندارد دارد. سازمان هایی همچون محیط زیست، شهرسازی، شهرداری و شورای ترافیک (برای جایگاه های درون شهری)، راهداری (برای جایگاه های برون شهری)، سازمان استاندارد، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و آب، برق و گاز در ردیف استعلام ها هستند. به گفته او، ضوابط استقرار جایگاه ها براساس دریافت استعلام و مطابق با طرح های زیست محیطی است و رعایت استانداردهای ایمنی در جایگاه های عرضه فرآورده های نفتی، به طور مداوم پایش می شود و همکاران این شرکت و همچنین کارشناسان اداره کار و استاندارد از طریق بازدید، مداوم بر آن نظارت می کنند. اصغری یادآوری می کند: متقاضیان می توانند با مراجعه به سامانه مجوزهای کسب و کار، برای ثبت درخواست خود اقدام کنند و از تقاضا در همه نقاط مشهد استقبال می شود.

خطری که همیشه هست

راندارند و حتی از کمبود وسایل لازم برای اطفای حریق رنج می برند. قطعاً در صورت بروز اتفاقات ناخوشایند در این زمینه، نمی توان به چند سطل شن و کپسول آتش نشانی تعبیه شده در گوشه و کنار جایگاه

بررسی درخواست ها

یکی از مجموعه هایی که در مراحل دریافت مجوز جایگاه سوخت باید از آن ها استعلام گرفت، سازمان مدیریت و مهندسی شبکه



حمل ونقل (حمل ونقل و ترافیک سابق) شهرداری مشهد است. مهندس علی سمیعی، مدیرعامل این سازمان، درباره مراحل این کار می گوید: فردی که متقاضی راه اندازی جایگاه سوخت است، ابتدا باید درخواست خود را به همراه مشخصات زمین مدنظر، به شرکت بالایش و پخش فرآورده های نفتی اعلام کند و در صورت اخذ تأییدیه اولیه از شرکت مذکور، در مرحله شروع استعلام ها برای بررسی و تأیید موقعیت زمین، به سراغ سازمان ترافیک بیاید. او ادامه می دهد: سازمان ترافیک باتوجه به ضوابط بالادستی و براساس صورت جلسه کمیسیون ماده ۵ مرتبط با ضوابط احداث جایگاه سوخت، موقعیت زمین را از زیبایی می کند؛ به طور مثال حداقل متراژ عمق زمین، متراژ حاشیه معبر، مساحت، فاصله از تقاطع ها و میداین قبل و بعد از زمین و موضوعات دیگر، دقیق بررسی می شود. بر همین اساس حدود ۱۰ شاخص، بررسی و سپس تأییدیه موقعیت زمین صادر می شود.

وی این نکته را هم یادآوری می کند که در نهایت پس از اخذ تأییدیه از سایر سازمان های مرتبط، باید ورودی و خروجی های جایگاه را نیز به لحاظ ضوابط ترافیکی بررسی کنیم.

سمیعی درباره اعتراض شهروندان برای ترافیک موجود در برخی جایگاه ها نیز می گوید. به هر حال پمپ بنزین به دلیل ماهیت جاذب سفر بودن و افزایش تردد خودروها در معابر اطراف آن، عامل ایجاد ترافیک است و به دلیل ضرورتی که به عنوان یک کاربری خدماتی در شهر دارد، باید دسترسی های لازم به آن وجود داشته باشد؛ البته شهروندان می توانند نکات مدنظر خود درباره مشکلات پیش آمده را از طریق سامانه ۱۳۷ شهرداری اعلام کنند و پس از آن، شهرداری های مناطق به کمک سازمان ترافیک، مشکل اشاره شده را بررسی و برای برطرف کردن آن اقدام خواهند کرد.

وی درباره برخی جایگاه ها که در نقاط حساس شهر مانند مجاورت بیمارستان قرار گرفته اند، توضیح می دهد: صورت جلسه کمیسیون ماده ۵ به سال ۸۱ برمی گردد و برخی از این جایگاه های کنونی، قدمت طولانی دارند که به قبل از تدوین ضوابط فوق برمی گردد و آن زمان در محل مناسب و با فاصله مطلوب از سایر کاربری های خاص قرار داشته اند. ولی در طول سالیان و به دلیل وجود شرایط مختلف، ممکن است برخی مراکز با کاربری های دارای اهمیت در کنار آن ها شکل گرفته باشد و اکنون به مرکزی برترافیک تبدیل شده اند.

سوخت امید چندانی بست و با وجود کمبودهای فعلی به ویژه در حوزه اراضی شهری، مدیران مربوط باید تدابیر جامع تری ببینند. خطر به یکباره می آید و در بسیاری از مواقع نیز ما را خبر نمی کند.

یادداشت

زادآوری؛ آرزویی که همچنان بر کاغذ می ماند!



روزنامه نگار غلامرضا بنی اسدی

داریم پیر می شویم. این نه یک تعارف و نه حتی یک تحلیل، بلکه یک خبر است. یک خبر که از هر طرف بخوانیم، تلخ است برای ایران و خطر است برای وطن. حرف این وادعای آن نیست که در این خبر، آمارها حرف می زنند. طبق جدولی که در همین صفحه به تاریخ ۲۳ مرداد ۱۴۰۲ چاپ شد، نمودارها از روند کاهش موالید در خراسان رضوی از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ گزارش می دهند. رقم ۱۴۲ هزار و ۹ نفر در سال ۱۳۹۲ در شبی کاملاً کاهشی به ۱۰۱ هزار و ۶۵۹ نفر در سال ۱۴۰۲ رسیده است. به زبان ساده با روند نزولی زاد و ولد

در حد بیش از ۴۰ درصد روبه رو هستیم. این هم یعنی سیاه چاله جمعیتی دارد هر روز بیشتر دهان می گشاید؛ مسئله ای که علاوه بر زوایای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، در ساحت امنیتی هم به جد باید مورد توجه و کنکاش قرار گیرد.
با این روند، ما – حداقل – تا سال ۱۴۲۰ به رشد صفر می رسیم. یعنی اگر مسئله مهاجرت اتفاق نیفتد و بیماری ای شبیه کرونا به ما شیخون نزند و همه چیز سر جای خودش باشد، به ازای هر ایرانی که با مرگ، جایش خالی شود، یک نفر زاده خواهد شد تا این جای خالی را پر کند. شاید مسئله ای چنین مهم خیال برخی ها را برنیاشوبد، اما قطعاً ذهن و فکر اهل تأمل و به ویژه کسانی را که به فردای ایران فکر می کنند، سخت به زلزله دچار خواهد کرد.
پیش لرزه ها هم اکنون قابل مشاهده است. همین هم باعث شده است که شاهد طرح های تازه و مشوق های نو باشیم برای زادآوری. کم و بیش هم خبرهایی می شنویم از اندک اثر آن در برخی مناطق، اما... این اما از آن گرهِ هایی است که برای گشودنش همه باید به میدان بیایند. می دانیم که مشوق ها و طرح های انگیزشی عمری چندساله دارند، اما نه تنها نتوانسته اند شیب کاهشی را متوقف کنند، بلکه همچنان شاهد کم تر شدن زاد و ولد هستیم. به نظر نمی رسد که وضعیت در سال ۱۴۰۳ هم تغییر روند بدد.
مسئله این است که با تبلیغات و تشویقات، منتظر جهش در زادآوری هستیم، اما واقعیت می گوید جامعه متناسب با شرایط زیستی خود تصمیم می گیرد، وقتی اشتغال خود دچار سیاه چاله ای است که گرفتارن بسیار دارد، نمی توان به تشکیل خانواده فکر کرد که نتیجه آن تولد فرزند باشد. وقتی زندگی ها چنان ناپایدار است که طلاق دارد نسبت خود به ازدواج رایک به دو تعریف می کند، نمی توان به انتظارگریه های شیرین در خانه های ناپایدار بود. وقتی جاده دارد زندگی ها را می بعد، از آغاز زندگی سرودن ناساز با واقعیت های زندگی خواهد بود. باید برنامه ها را واقعی تر نوشت، برای ارتقای سطح زندگی مردم کوشید، معیشت را سامان داد، اقتصاد را به ثبات رساند و امید به فردای بهتر را احیا کرد، وگرنه تا وضع این نباشد که هست، نمودار ولادت همچنان کاهشی خواهد بود. مشوق های نازگرگی باز نمی کنند، چون مردم ناظر به وضعیت زندگی خود بچه دار می شوند، نه با وعده مسئولان.

روی خط جامعه

تجویز دارو در ایران، ۲ برابر استاندارد جهانی

ایرنا| معاون تحقیقات و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با بیان اینکه تجویز غیرمنطقی دارو در حوزه سلامت، از شایع ترین علل ناکارآمدی نظام سلامت است، گفت: میانگین اقلام دارویی در یک نسخه در ایران چهار قلم است، درحالی که براساس استاندارد سازمان های جهانی بهداشت، باید حدود دو قلم باشد.

یونس پناهی بیان کرد: امروزه توسعه بیماری را با توسعه داروها هم زمان پیش نمی رود و بیماری های بدخیم، نوظهور و سرطان با داروهای موجود و دردسترس کنترل شدن نیست، بنابراین داروسازان باید در سال های آینده به منظور طراحی داروهای جدید به مهندسی بافت و هوش مصنوعی دست یابند؛ به عنوان مثال برای بیماران «اس ام ای» و «ام اس» باید داروهای جدید تولید کرد. در برنامه هفتم توسعه که اخیراً ابلاغ شده است، حدود هجده بند به داروسازی مربوط و سهم داروسازان در حکمرانی سلامت، چشمگیر است.

وی ادامه داد: داروسازان تمرکز خود را به سمت داروهای کمیاب سوق دهند و وزارت بهداشت در این زمینه آماده همکاری با انجمن های داروسازی است.

جمعیت ۹۱ میلیونی ایران و اشتباه محاسباتی سازمان ملل

ایسنا| رئیس مؤسسه تحقیقات جمعیتی کشور در واکنش به جدیدترین آمار درباره جمعیت ایران که سازمان ملل، ۹۱ میلیون نفر اعلام کرده است، این آمار را ناشی از اشتباه محاسباتی خواند و از مرکز آمار ایران خواست تا به عنوان دستگاه متولی ضمن بررسی تخصصی تر، موضوع را به نحو شایسته به سازمان ملل متحد، منعکس و تا حصول نتیجه، آن را پیگیری کند.

محمد جواد محمودی تصریح کرد: سازمان ملل هر دو سال یک بار گزارش های جمعیتی را منتشر می کند و گزارش سازمان ملل تا سال ۲۰۱۸ میلادی با داده های مرکز آمار ایران مطابقت داشت، اما ریشه اختلاف ها از گزارش سال ۲۰۱۹ شروع می شود.

عدد خبر

۱۰۰۰ جنین

مهرا مدیرکل سابق دفتر جمعیت و سرشماری مرکز آمار ایران با اشاره به ضرورت توجه قانون جوانی جمعیت به مباحث فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی گفت: برآوردها حاکی از سقط هزار جنین در روز است.

به گفته علی اکبر محزون، در مطالعه ای به نام پیمایش سلامت و جمعیت که مرکز آمار ایران انجام داده، عوامل کاهش باروری و شیوه هایش برشمرده شده است. این پژوهش ۹۶ شاخص را مطرح می کند که چهار شاخص آن مدنظر ماست. این شاخص ها شامل ازدواج، وسایل پیشگیری از بارداری، نازایی موقت بعد از زایمان و سقط جنین است. عدد هر کدام از این شاخص ها به دست آمده است. آنرا کهنده از دواج ۳۵ درصد است. همچنین شاخص وسایل پیشگیری از باردوری، ۶۶ درصد و سقط جنین ۲۱ درصد نرخ باروری را کاهش می دهد.

وی ادامه داد: در ۳۴/۵۷ درصد از ولادت های کشورمان سقط جنین رخ می دهد. یعنی اگر حدوداً یک میلیون و ۱۰۰ هزار تولد در کشور ما رخ بدهد حدود ۳۸۵ هزار سقط در سال را این مدل برآورد می کند. حالا مدل های مختلف، عدد های متفاوتی می دهند. روزی هزار سقط جنین، عدد کمی نیست. همین عدد اگر به تعداد تولد ما اضافه می شد، دیگر دغدغه سطح جانشین باتولد رانداشتیم. محزون با اشاره به اینکه ۲۰ تا ۳۵ درصد از قانون جوانی جمعیت در طول این سه سال اجرا شده است، گفت: بودجه و اعتبار این قانون پنج تا شش ماه است که در جای خود نشسته است، اما به هر حال این قانون سه سال است ابلاغ شده است و نتایج آن نشان می دهد که توانسته است اثربخشی لازم و نتایج رو به جلو داشته باشد.